



The Types of Orientalists' Studies about Islam and the Pathology of Their Studies

Mohammad Shahbazian¹

Ali Jahani Fard²

Received: 21/02/2022

Accepted: 07/09/2022

Abstract

The analysis of Islam and its teachings has a scientific appeal for Orientalists, and especially after the Islamic Revolution of Iran, attention to the teachings of Islam and Imamia grew to the point where some researchers equate the term "Oriental Studies" with "Islamic studies". Of course, the examination of religious teachings requires a method and a style that is called "methodology of religious studies". Eastern scholars seek to use these methods in the analysis of Mahdiyyism teachings, but in studies of the religion and especially the attitude towards the religious teachings of others, it is necessary to observe their accepted style and principles. In other words, a researcher is obliged to observe minimum standards in researching the teachings of others. The present paper aims to answer these questions with a descriptive-analytical data processing method: first, what is the method of Islamic studies in the West? Second, what harm is there in the theories of Orientalists in some teachings of Mahdiyyism? The authors believe that

1. Assistant professor, Research Center for Mahdiyyism and Future Studies, Islamic Science and Culture Academy, (Corresponding author). m.shahbazian@isca.ac.ir.

2. Level Four Islamic Seminary Student in Imams Studies, Imamate Cultural Foundation. alimogahed110@gmail.com.

* Shahbazian, M., & Jahani Fard, A. (1401 AP). The Types of Orientalists' Studies about Islam and the Pathology of Their Studies. *Journal of Islamic Knowledge Management*. 4(7), pp.46-77. DOI:10.22081/JIKM.2022.63418.1071

due to the increase of Islamic studies and Imamiyah in the West, it is necessary to know the method of their studies, and by knowing the harms of the method in Western Islamic studies, it is easy to criticize the views of the Orientalists and then determine that what are the basic problems in analyzing the teachings of Imamiyah from their side? The findings suggest that most of the Orientalists have used the historiography method and their research suffers from damages such as "generalizing an event", "ignoring the validity of texts", " Taking teachings from other people's books", "not mastering the Arabic language", "confusion between Islam and the Muslim community" and "ignoring the rules of taking teachings from religious sources".

Keywords

Orientalists, study method, Islam, historiography, phenomenology, sociological.



أنواع دراسات المستشرقين حول الإسلام، ومعابيب هذه الدراسات

علي جهاني فرد^٢

تاريخ القبول: ٢٠٢٢/٠٩/٠٧

محمد شهبازيان^١

تاريخ الاستلام: ٢٠٢٢/٠٢/٢١

الملخص

يحظى تحليل شؤون الإسلام وتعاليمه بمجاذبية علمية لدى المستشرقين، خاصةً بعد وقوع الثورة الإسلامية في إيران حيث ازداد الاهتمام بتعاليم الإسلام والإمامية إلى درجة صارت عبارة الاستشراق مترادف في أذهان بعض المحققين مع الدراسات الإسلامية. ولا شك أن البحث في التعاليم الدينية يحتاج إلى أسلوب ومنهج أطلقوا عليه عنوان (أسلوب الدراسات الدينية). وقد سعى علماء الاستشراق إلى الاستفادة من هذه الأساليب في تحليلهم لتعاليم المهديّة، إلا أن الدراسات الدينية - وخصوصاً عندما يتعلّق الأمر بالتأمل في تعاليم الآخرين الدينية - تحتاج إلى احترام ورعاية الأسلوب والمباني التي تحظى بالقبول لديهم. وبعبارةٍ أخرى نقول إنَّ المحقّق يجب عليه أن يراعي الحد الأدنى من هذه المباني عند بحثه في تعاليم الآخرين. والمقال الحالي مدوّن وفق مؤشّرات المنهج التلفيقي والمعالجة الوصفية التحليلية للمعطيات ويهدف إلى الإجابة على التساؤل عن ماهية أسلوب الدراسات الإسلامية في الغرب؟ وما هي الأخطاء والثغرات الموجودة في نظريات المستشرقين حول بعض تعاليم المهديّة؟ ويعتقد كاتب المقال أنّه نظراً لتناحي أعداد الدراسات الإسلامية والإمامية في الغرب لذا تمس الحاجة إلى التعرّف على أسلوب دراساتهم، ومن خلال معرفة

١. مساعد أستاذ في مركز أبحاث المهديّة والدراسات المستقبلية في المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران (الكاتب المسؤول).
m.shahbazian@isca.ac.ir

٢. طالب السطح الرابع في الإمامة - مؤسّسة الإمامة الثقافية، قم، إيران.
alimogahed110@gmail.com

* شهبازيان، محمد؛ جهاني فرد، علي. (١٤٤٣هـ). أنواع دراسات المستشرقين حول الإسلام، ومعابيب هذه الدراسات. مجلة إدارة العلم الإسلامي (نصف سنوية علمية - محكمة)، ٤(٧)، صص ٤٦-٧٧.

الثغرات المنهجية في الدراسات الإسلامية الغربية يمكن بسهولة نقد آراء المستشرقين ومن ثم تأشير الإشكال الأساس في تحليلهم لتعاليم الإمامية. ومن خلال النتائج التي يتوصل إليها نكتشف أنّ عموم المستشرقين يستفيدون من أسلوب النظرة التاريخية وتعاني تحقيقاتهم من عددٍ من الثغرات ونقاط الضعف مثل (تعميم الواقعة المفردة) و (عدم الانتباه إلى اعتبار النصوص) و (التقاط التعاليم من كتب الآخرين) و (عدم إتقان اللغة العربية) و (الخلط بين الإسلام ومجتمع المسلمين) و (عدم التقيّد بقواعد استخلاص التعاليم من المصادر الدينية).

المفردات الأساسية

المستشرقون، منهج الدراسة، الإسلام، النظرة التاريخية، الظواهرية، علم الاجتماع.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

گونه‌های مطالعات مستشرقان درباره اسلام و آسیب‌شناسی مطالعات آنها

علی جهانی فرد^۱

محمد شهبازیان^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۲

چکیده

تحلیل اسلام و آموزه‌های آن برای مستشرقان جذابیت علمی دارد و به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران توجه به آموزه‌های اسلام و امامیه رشد فزاینده به خود گرفت تا جایی که برخی از محققان عبارت «شرق‌پژوهی» را مترادف با «اسلام‌پژوهی» دانسته‌اند. البته بررسی آموزه‌های دینی روش و سبکی را می‌طلبد که از آن با عنوان «روش‌شناسی مطالعات دینی» نام برده‌اند. دانشوران شرق‌پژوه می‌کوشند تا از این روش‌ها در تحلیل آموزه‌های مهدوی بهره‌برند، اما در مطالعات دین‌پژوهانه و به‌ویژه نگرش به آموزه‌های دینی دیگران، نیاز به رعایت اسلوب و مبانی مورد قبول آنهاست و به عبارتی یک محقق موظف است حداقل‌هایی را در تحقیق آموزه‌های دیگران رعایت کند. نوشتار حاضر بر آن است تا با روش تلفیقی و داده‌پردازی توصیفی-تحلیلی، به این پرسش‌ها پاسخ گوید که روش مطالعات اسلامی در غرب چیست؟ و چه آسیبی در نظریه‌های مستشرقان در برخی آموزه‌های مهدویت وجود دارد؟ نگارندگان معتقدند که با توجه به فزونی مطالعات اسلامی و امامیه در غرب نیاز به شناخت روش مطالعات آنان امری ضروری است و با شناخت آسیب‌های روشی در مطالعات اسلامی غربی، می‌توان به آسانی آرای مستشرقان را نقد و سپس مشخص نمود که اشکال

۱. استادیار پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. قم، ایران (نویسنده مسئول).
 m.shahbazian@isca.ac.ir

۲. دانش‌پژوه سطح چهار امام‌شناسی بنیاد فرهنگی امامت. قم، ایران.
 alimogahed110@gmail.com

* شهبازیان، محمد؛ جهانی فرد، علی. (۱۴۰۱). گونه‌های مطالعات مستشرقان درباره اسلام و آسیب‌شناسی مطالعات آنها. دوفصلنامه علمی - ترویجی مدیریت دانش اسلامی، ۴(۷)، صص ۴۶-۷۷.

اساسی در تحلیل آموزه‌های امامیه از جانب آنان چیست؟ با توجه به نتایج به دست آمده از بحث درمی‌یابیم عموم مستشرقان از روش تاریخی‌نگری بهره برده‌اند و تحقیقات آنان دچار آسیب‌هایی مانند «تعمیم دادن یک واقعه»، «بی‌توجهی به اعتبار متون»، «برداشت آموزه از کتب دیگران»، «تسلط‌نداشتن به زبان عربی»، «خلط میان اسلام و جامعه مسلمانان» و «بی‌توجهی به قواعد برداشت آموزه از منابع دینی» است.

کلیدواژه‌ها

مستشرقان، روش مطالعاتی، اسلام، تاریخی‌نگری، پدیدارشناسی، جامعه‌شناختی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

برخی از پژوهش‌گران غربی درباره شرق تحقیق‌های گسترده انجام داده‌اند. با مطالعه این پژوهش‌ها با اشکال‌ها و مطالبی روبه‌رو می‌شویم که از دید یک اندیشمند اسلامی مطابقتی با واقع ندارد. از این رو بررسی روش‌هایی که آنها در مطالعات شرق‌شناسی خود انجام داده‌اند، اهمیت می‌یابد. روش‌شناسی در مفهوم مطلق خود به روش‌هایی گفته می‌شود که برای رسیدن به شناخت علمی از آنها استفاده می‌شود و روش‌شناسی هر علم نیز روش‌های مناسب و پذیرفته آن علم برای شناخت هنجارها و قواعد آن است. روش‌های شناخت را باید از روش‌ها و فنون اجرای آنها متمایز دانست؛ زیرا اجرای هر قاعده پس از شناخت آن قاعده ممکن می‌گردد (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۴).

در این تحقیق به تبیین این دو مسئله توجه شده است: اول اینکه مستشرقان از چه شیوه‌هایی در مطالعات خود بهره برده‌اند؛ دوم اینکه چه آسیب‌ها و اشکال‌هایی در مطالعات شرق‌شناسی آنها وجود دارد. بدین منظور با مطالعه منابع مورد نیاز و مراجعه به برخی از مهم‌ترین کتب آنها دو هدف مطرح شده، بررسی می‌گردد. یکی از مهم‌ترین موضوع‌های شرق‌شناسان، بحث مطالعات دینی و مذهبی است و در این زمینه بیشترین خطا و آسیب در مطالعاتشان ایجاد شده، به گونه‌ای که برخی از مطالبی را که به اسلام و به‌خصوص تشیع نسبت می‌دهند، از نظر مسلمانان و شیعیان هرگز پذیرفته نیست. در ادامه پس از معناشناسی واژه مستشرق، روش‌های مطالعات دینی و آسیب‌های آن را تبیین خواهیم کرد.

پیشینه تحقیق

درباره مسئله یادشده، مطالعاتی مانند: «گذری بر مطالعات شیعی در غرب»، از عباس احمدوند، فصلنامه علمی پژوهشی مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۶۳؛ «خاورشناسان و حدیث امامیه؛ طبقه‌بندی و تحلیل پژوهش‌ها»، علی حسن‌نیا و علی راد، فصلنامه علوم حدیث، ش ۷۸؛ و مقاله «رویکردهای نو در شرق‌شناسی»، دوفصلنامه پژوهش‌های حقوق اسلامی، ش ۱۵ صورت گرفته است.

تمایز این نوشتار، ارائه گونه‌های مطالعاتی و نقد و بررسی آن و نیز توجه به برخی مصادیق مرتبط با مطالعات غربیان در زمینه مهدویت است.

معناشناسی مستشرق

معاکردن واژه "مستشرق" زمانی ممکن است که برای واژه "شرق‌شناسی" تعریف کامل و روشنی ارائه گردد. نمایان‌گر این واژه در انگلیسی (Orientalism) و در عربی (الاستشراق) است. درباره "شرق‌شناسی" تعریف و عبارت‌پردازی‌های متعددی صورت گرفته که برخی از آنان در نقد و رد یکدیگر بودند و به سردرگمی خواننده منجر می‌شود (احمدوند، ۱۳۷۷، ص ۵؛ زقزوق، ۱۳۹۲، ص ۳۰). در کتب لغت فارسی، شرق‌شناسی مترادف با خاورشناسی بوده و مراد مشرق زمین و قاره آسیا است (انوری، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۲۶۷۴). غربی‌ها نیز واژه (شرق) را به دو معنا به کار برده‌اند: یکی به معنای جغرافیایی و دیگری به معنای فرهنگی (الویری، ۱۳۸۱، ص ۸).

اروپایی‌ها برای اشاره به شرق جغرافیایی، واژه (east) و (orient) را به کار برده‌اند و مرادشان جهت طلوع خورشید و همان مفهوم متعارف (مشرق) است (الویری، ۱۳۸۱، ص ۸). از منظر فرهنگی مراد از شرق، تمدن ویژه سرزمین‌های شرقی است که با دیگر تمدن‌ها [به‌ویژه یونان و روم] شاخصه‌های متفاوتی دارد و در گذر زمان و طول تاریخ مشرق زمین پدید آمده است (آریان‌پور، ۱۳۸۶، ص ۱۰۰۷؛ الویری، ۱۳۸۱، ص ۱۲). «شرق‌شناسی» (orientalism) نخستین بار در سال ۱۷۷۹م. در انگلستان و سپس در سال ۱۷۹۹م. در فرانسه با مفهوم خاص (دانش شناخت شرق) به کار رفت. بعدها در سال ۱۸۳۸م. مدخل (orientalism) برای نخستین بار در قاموس آکادمی فرانسه گنجانده شد. همچنین گفته‌اند که در زبان عربی، واژه (استشراق) به‌عنوان نام یک علم را نخستین بار لبنانی‌ها در قرن دوازدهم قمری به کار برده‌اند (الویری، ۱۳۸۱، ص ۱۳).

بنابراین برخی این تعریف را برای (شرق‌شناسی) ارائه کرده‌اند که از دیگر تعاریف کامل‌تر است. آنها شرق‌شناسی را چنین تعریف می‌کنند: «مطالعه و بررسی درباره ملت‌های شرقی در سرزمین‌های اصلی آنها [پیرامون] ریشه‌ها و شاخ و برگ‌های نژادی،

شرایط اقلیمی و جغرافیایی و آثار باستانی، تاریخ و اساطیر، زبان و ادبیات، ادیان و مذاهب، آداب و رسوم و آنچه به ویژگی‌های زندگی یا تمدن آنها تعلق دارد» (الویری، ۱۳۸۱، ص ۱۵؛ انوری، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۲۶۷۴).

واژه (شرق‌شناسی) حتی پس از مطرح شدن در مجامع علمی، تعریفی مشخص نداشته و بنابر گرایش‌ها و نوع پژوهش‌های یک فرد، تعریفی ناقص از آن ارائه می‌گردید، چنان‌که برخی آن را به معنای (زبان‌شناسی) دانسته‌اند (الویری، ۱۳۸۱، ص ۱۴؛ اسپوزیتو، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۱۶۴). از این رو کنگره‌ای در سال ۱۹۷۳ م. (۱۳۵۲ ش) در پاریس برگزار شد و دوره‌ای نو برای شرق‌شناسی پدید آوردند. این کنگره نشان داد که شرق‌شناسی به صورت متداول در آن روزگار ناشی از نوع برداشت و نظریه‌ها و خواست‌ها و علایق غربی بوده است و باید دگرگون شود. بنابر سخن دکتر عبدالعزیز ساشادینا، شرق‌شناسی چنان توسعه یافته که امروزه با عنوان (شرق‌شناسی جدید)^۱ در برخی از بخش‌های مطالعاتی تمدن‌ها و زبان‌های خاور نزدیک در امریکای شمالی و دیگر دانشگاه‌های اروپایی بررسی می‌شود (عسگری و نوروی، ۱۳۹۳، ص ۱۳).

در نگاه ابتدایی، «شرق‌شناسی» به معنای بررسی «شرق» توسط «غربیان» به نظر می‌رسد، اما در مرحله جدید مطالعات شرقی، این انحصار برداشته شد و شرقی‌ها نیز با توجه به رویکرد و روش و برنامه‌ای که غربی‌ها مشخص کرده‌اند، در شناخت شرق مشارکت یافتند (عسگری و نوروی، ۱۳۹۳، ص ۱۳). بر این اساس برخی از نویسندگان مانند دکتر عبدالمنعم فؤاد، استاد عقیده در دانشگاه الازهر مصر و نویسنده کتاب من افتراءات المستشرقین علی الاصول العقیده، هر غیرمسلمانی را که به تحلیل اسلام پرداخته، در زمره مستشرقان می‌داند (زمانی، ۱۳۸۸، ص ۳۱). فراتر از این می‌توان گفت مسلمانان و شیعیانی که در تحلیل و تبیین متون و آموزه‌های اسلام، از روش غربیان پیروی می‌نمایند و ذهن خود را از برخی مبانی و پیش‌فرض‌ها خالی می‌کنند نیز در زمره صاحبان اندیشه در مطالعات اسلامی با تعریف شرق‌پژوهانه آن قرار می‌گیرند. از این رو مستشرقی مانند

1. neo orientalism

هارالد موتسکی^۱ می‌گوید: «مراد از پژوهش‌های غربی یا پژوهش‌های غیر مسلمانان این نیست که محققان این آثار، همگی غربی یا غیر مسلمانند؛ مسئله اصلی تنها این است که آنان از سنت‌های تحقیق غربی پیروی می‌کنند» (موتسکی، ۱۳۹۴، ص ۱۱).

امروزه در جوامع اسلامی و در ذهن عموم مخاطبان مسلمان (اعم از شیعه و سنی)، این واژه متبادر با اسلام‌شناسی و مطالعات غربیان (به معنی عام آن و به معنای پژوهش درباره اسلام با روش و متد غربی‌ها) در مورد آموزه‌های اسلام است (زقزوق، ۱۳۹۲، ص ۳۰). بنابراین عبارت‌هایی مترادف مانند: اسلام‌شناسی (islamicism) و مطالعات اسلامی (الدراسات الاسلامیة) (islamic studies)، برای آن به کار می‌رود.

گونه‌شناسی روش مطالعاتی مستشرقان درباره دین

برخی نگاشته‌ها در موضوع شرق‌شناسی و به‌ویژه مطالعات اسلامی، به دوره‌های شرق‌پژوهی (الویری، ۱۳۸۱، ص ۴۰؛ عسگری و نوروزی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۷؛ زمانی، ۱۳۸۸، ص ۵۳)^۲، مکاتب شرق‌پژوه مانند مکاتب آلمان، انگلیس، ایتالیا و غیره که هر یک روش و موضوع متمایزی را در اختیار می‌گیرند (الزیادی، ۱۳۸۳، ش ۲۰، ص ۱۲۹) و نیز به انگیزه‌های آنها و حوزه‌های معرفتی مورد تحقیق اشاره نموده‌اند (الویری، ۱۳۸۱، ص ۱۸۵؛ زمانی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۷؛ زقزوق، ۱۳۹۲، ص ۵۸). دکتر عبدالعزیز ساشادینا (استاد دانشگاه ویرجینیای امریکا) در نقطه‌نظری می‌گوید:

اما یکی از نکته‌های منفی که در مستشرقان دیده می‌شد، این بود که در مطالعات و تحقیقاتشان، اهداف سیاسی داشتند؛ چون اینها از طرف دولت تعیین می‌شدند. یعنی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های دانشگاه‌های مهمی که تمدن‌های خاورمیانه را تدریس می‌کردند، جزو برنامه خود دولت بود تا بتوانند دنیای اسلام را بهتر بشناسند و بر آنها تسلط یابند.

1. harald motzki

۲. محمدحسن زمانی در کتاب خود مراحل ده‌گانه‌ای را برای شرق‌شناسی ترسیم می‌کند.

همچنین او معتقد است که شرق‌پژوهانی مانند گل‌دزیهر یهودی، اروپایی‌ها را از دیگران برتر دانسته و اقوام غیر غربی (به‌ویژه مسلمانان) را تحقیر می‌کنند (عسگری و نوروزی، ۱۳۹۳، صص ۲۶ و ۳۵).

بدین ترتیب نکته مهم که شناخت آن نقش بسزایی در معرفی و چرایی پاره‌ای از تحلیل‌های نادرست اسلام‌شناسان غربی دارد، شناخت روش‌های پژوهشی آنان در مطالعات اسلامی است.

توقع از روش‌شناسی، در واقع بیان و سنجش شیوه‌ها، ابزارها، رهیافت‌ها و روش‌های تحقیق است. دین‌پژوهی نوین نیز دامنه تنوع روش را بسیار فراتر از گذشته گسترانده است. امروزه مطالعات تجربی دین رواج فراوان یافته و انجمن‌های علمی، ابزارها و شیوه‌های آزمایشگاهی گوناگون برای فهم و شناخت پدیدارهای دینی به کار گرفته‌اند. عده‌ای پدیدارشناسی دین را یگانه راه شناخت می‌دانند و عده‌ای دیگر از روش تاریخی بهره می‌برند. برخی بر معرفت وجودی و شناخت احساسی در خداشناسی تأکید حصرگرایانه دارند و گروهی مطالعات تطبیقی را راه‌گشا می‌دانند. تنوع این روش‌ها مسائل فراوانی را پدید آورده است:

شاخص انتخاب روش از میان روش‌های گوناگون چیست؟ تنوع روش تابع کدام قاعده است؟ روش‌های گوناگون چه ارتباطی و مناسبتی با یکدیگر دارند؟ با کدام الگو می‌توان به وجه جمع میان روش‌ها رسید؟ دانشمندان در برابر این بحران معرفت‌شناختی درمانده بودند که متون دینی را باید به چه صورتی خواند؟ آیا بررسی فقط باید تاریخی باشد یا از لحاظ اجتماعی یا مردم‌شناختی نیز می‌توان بررسی کرد؟ (قراملکی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۰).

در پاسخ به این پرسش‌ها، کنت ول اسمیت^۱ نقش بسیار مهمی داشته است (ر.ک: نظریور و علمی، ۱۳۹۷). اسمیت کتابی به نام معنا و هدف دین^۲ و مقاله‌ای با عنوان «داخل و بیرون دین»^۳ دارد و ابتدا دین‌شناسان را به دو گروه تقسیم می‌کند: «دین‌شناسان

1. wilfred cantwell smith

2. The Meaning and End of Religion

3. inside and outside of religion

درون‌دینی" و "دین‌شناسان برون‌دینی". یعنی هرکس می‌خواهد مسیحیت را تدریس یا تحلیل کند، باید موضع خود را مشخص نماید که وی از داخل دین تحلیل می‌کند یا خارج از آن؟ (عسگری و نوروزی، ۱۳۹۳، ص ۲۶).

به عقیده برخی از محققان، در شناخت روش‌ها بسیار مهم است که مطالعه کنیم هر نویسنده کجا و با چه کسی درس خوانده؟ کجاها رفته؟ برای نمونه معتقدند که دانشگاه هاروارد روش خاصی در اسلام‌شناسی دارد که با روش پرنستون متفاوت است. در مواردی سیاست بر روش دین‌شناختی آنها تأثیر دارد، چنان‌که فعالیت‌های علمی اساتید شرق‌پژوه پس از یازده سپتامبر، متأثر از سیاست‌های امریکا پس از آن واقعه بوده است (عسگری و نوروزی، ۱۳۹۳، صص ۳۴ و ۴۷).

اگرچه باید پذیرفت که در مطالعات غربیان تأکید بر روش‌مند بودن و به‌کارگیری اسلوب‌های تحقیق، جایگاه ویژه دارد و اجرای این روش‌مندی در پژوهش، نیازمند ساعت‌ها تمرین و دقت نظر بوده است، در مطالعات دین‌پژوهانه و به‌ویژه نگرش به آموزه‌های دینی دیگران، رعایت اسلوب و مبانی پذیرفته آنها نیز بسیار لازم است. به‌عبارتی یک محقق موظف است اصولی را در تحقیق آموزه‌های دیگران رعایت کند. برای نمونه، اول: از منابع معتبر و کهن آن دین و مذهب بهره بگیرد؛ دوم: اصطلاحات دینی آنها را بشناسد؛ سوم: به مبانی و قواعد برداشت از دین اشراف داشته باشد؛ و چهارم: بداند که خرده‌فرهنگ‌ها و رفتارهای گروندگان به یک کیش و آیین، الزاماً دستورهای آن دین نیستند.

از این رو هیچ‌گاه تحلیل یک مستشرق درباره شیعیان دوازده‌امامی و آموزه‌های آنان، از مصادر اهل سنت پذیرفته نمی‌شود. یا اینکه یک مستشرق نمی‌تواند رفتارهای دینی و اجتماعی فزق انحرافی در یک دین را نمایانگر آن دین و مذهب معرفی کند؛ همان‌گونه که این اشتباه در نگاه‌های مستشرقان رسانه‌ای وجود دارد و دین اسلام را براساس رفتارهای گروه‌های تکفیری همانند داعش تفسیر می‌کنند. در مجموع باید پذیرفت که پژوهش‌های صورت‌گرفته ذیل عنوان (مطالعات اسلامی) و (شرق‌شناسی) جنبه‌های

مثبت و منفی دارند. محققان در زمره نکات مثبت نگاشته‌های شرف پژوهان، به آموختن روش‌های جدید و علمی تحقیق، ایجاد دیدگاه‌های نو در مطالعات اسلامی و معرفی و احیای آثار اسلامی اشاره کرده‌اند (الویری، ۱۳۸۱، صص ۲۰۸، ۲۰۹؛ زقزوق، ۱۳۹۲، ص ۲۵؛ رزاقی، ۱۳۹۳). در زمره نقاط منفی نیز می‌توان به اشتباه در انتقال مفاهیم، ترجمه‌های نادرست، ایجاد جو غرب‌محوری در مباحث علمی، ایجاد شبهه درباره اسلام، هموار نمودن تسلط دولت‌های استعماری بر ممالک شرقی اشاره کرد (زمانی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۷؛ زقزوق، ۱۳۹۲، ص ۲۵). انصاف در این است که نقاط قوت این پژوهش‌ها را مد نظر قرار دهیم و نکات منفی آن را پس از شناسایی، عالمانه تحلیل و نقد نماییم، که در ادامه به روش‌ها یا رویکردهای مطالعات دینی و همچنین برخی از آسیب‌های مطالعات اسلامی در غرب می‌پردازیم.

۱. اقسام روش‌شناسی (رویکردها)

مهم‌ترین رویکردها و روش‌ها در مطالعه دین، عبارتند از: تاریخی، پدیدارشناختی، انسان‌شناختی و مردم‌شناختی، ادبیاتی (فقه اللغوی، زبان‌شناختی)، هرمنوتیک، باستان‌شناختی، فلسفی، الاهیاتی (کلامی)، عرفانی، میان‌رشته‌ای و میان‌فرهنگی (موجدیان عطار، ۱۳۹۶، ص ۹۰؛ ر.ک: رابرت سگال، ۱۳۹۱) در این میان می‌توان مهم‌ترین روش‌های به‌کاررفته توسط مستشرقان را، روش تاریخی، پدیدارشناسانه و جامعه‌شناختی دانست.

۱-۱. روش تاریخی‌نگری (Historism)

یکی از مهم‌ترین رویکردهای دین‌پژوهی برآمده از علم‌گرایی قرن نوزدهم و بیستم، رویکرد تاریخی به دین است. مطالعه تاریخی، شناخت امر تاریخی است و امر تاریخی، حادثه‌ای است که در گذشته رخ داده، اما به شکلی در زمان تداوم یافته است. شناخت تاریخی، شناخت گذشته در پرتو آینده و فرایندی مرکب از دو مرحله است: توصیف و تبیین و تحلیل. در این دو مرحله، از چگونگی و چرایی حادثه و سیر و تطور آن و نیز آخرین وضعیت آن بحث می‌شود. برپایه مطالعه تبیین‌هایی که از رویکرد تاریخی ارائه

شد، می‌توان این روش را با مجموع ویژگی‌ها یا مؤلفه‌های زیر از دیگر روش‌های دین‌پژوهی متمایز کرد:

یک- طبیعی‌انگاری یا انسانی‌دانستن دین؛

دو- پرهیز از تکیه بر ایمان دینی به‌عنوان یک منبع اطلاعاتی و تفسیری؛

سه- رویکرد علمی، یا تکیه بر قواعد علوم تجربی و انسانی، برای کشف قواعد، ساختار و الگوهای دین؛

چهار- بررسی سیر تاریخی و تکاملی اندیشه‌ها؛

و غیره (موحدیان عطار، ۱۳۹۶، ص ۱۱۸).

در بیانی دیگر، تاریخ‌مندی، از عنوان‌ها و صفاتی است که به هرچه پیوست شود، کنایه از موقتی بودن و عرضی بودن آن شیء است؛ از آن رو که زاینده اوضاع خاص است و فراخور همان اوضاع، کارآمدی دارد و در زمان یا مکان یا اوضاع دیگر اصلاً کارآیی ندارد یا کارآیی، زمان خود را از دست داده و به ماهیتی دیگر و متفاوت از قبل تبدیل شده است. برای مثال، ابزاری جنگی مربوط به هزار سال پیش، اکنون اثری تاریخی خوانده می‌شود، به این معنا که مربوط به دوران گذشته است و کارویژه‌ای را که در گذشته برای آن تعریف شده بود، در حال حاضر از دست داده است. درباره اثر و بنای تاریخی، قوانین اساسی و عادی مصوب انسان‌های گذشته نیز به همین گونه است.

نگرش تاریخی به قرآن و آموزه‌های دین نیز از همین باب است و کسانی که به تاریخ‌مندی دین، قرآن و آموزه‌های دینی قائلند، همین معنا را اراده کرده‌اند، به گونه‌ای که یا آن را ساخته اوضاع تاریخی می‌دانند یا دست کم آن اوضاع را در کیفیت و کمیت آموزه‌های آن دخیل می‌دانند و به تبع آن، برای دین و یا برخی از آموزه‌های آن تاریخ تولید و مصرف در نظر می‌گیرند (عرب‌صالحی، ۱۳۹۱، ص ۵۱).

از اصلی‌ترین کانون‌های روش تاریخی‌نگری در مطالعات امامیه می‌توان به تحولات یک اندیشه در مسیر تاریخ، ارزیابی فراوانی باورمندان به یک عقیده در درون مذهب، رویکردهای تقابلی و تعاملی فرّق درونی تشیع، بررسی تأثیر و تأثر احتمالی میان شیعه و دیگر فرّق مسلمانان، استراتژی رهبری امامان شیعه در دوره‌های مختلف، بازخوانی

اندیشه فردی اصحاب و رویکردهای ائمه به باورهای موجود در جامعه شیعه اشاره کرد (محمدعلی دزفولی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۹). یکی از زیرمجموعه‌های بحث از تاریخ یک دین و اندیشه، بررسی تاریخی لغات و مفاهیم موجود در آن است. در یک مقطع مستشرقان قائل بودند «فقه اللغة»^۱ را به کار گیرند. در این روش به دنبال این نکته بودند که با بررسی تاریخ یک لغت، بدانند از کجا آمده است. برای نمونه در قرآن، عبارت «لطیف» هست و آنها معتقد بودند باید بگردیم که واژه لطف از کجا گرفته شده است؟ چون این عبارت در مسیحیت بود و اعراب از مسیحیت خبر داشتند، بنابراین از آنجا به اسلام وارد شده است. این رویکرد را (دیرینه‌شناسی دانش)^۲ یا (بررسی ادوار تاریخی لغت)^۳ می‌گویند.

برخی از اسلام‌شناسان غربی در نگاه به اسلام و تمدن اسلامی، شیوه تاریخی‌نگری را برگزیده و کوشیده‌اند اسلام را به‌عنوان پدیده‌ای که در زمان و مکان خاص و در برهه‌ای از تاریخ رخ داده است، تحلیل کنند. در این شیوه پژوهش، تلقی محقق این است که یک پدیده با تأثیر از زمینه‌های خاص یک دوران و نیز عناصر و عوامل پیشین خود به وجود آمده و هویت یافته است، به گونه‌ای که بستر تاریخی، تعیین‌کننده هویت یک رخداد تاریخی قلمداد می‌گردد. به همین جهت از منظر این نگرش، مهدویت و موعودخواهی اسلامی، ساختگی و جعلی بوده که شرایط سیاسی-اجتماعی و سرخوردگی‌های فردی و روان‌شناختی موجب آن گردیده است.

دوره‌های تاریخی یک لغت، بسیار مهم است، اما همواره نتایج به‌دست آمده صحیح نیست؛ چراکه لغت‌شناسی به‌تنهایی نمی‌تواند به فهم دقیق دین کمک کند. مانند اینکه تفسیر قرآن را در لغت‌شناسی منحصر نماییم که این رویکرد، در تفسیر اعتباری ندارد؛ چراکه قرآن زمینه جامعی دارد و مانند اجتماع است (عسگری و نوروزی، ۱۳۹۳، صص ۶۴ و ۶۵) به عبارت دیگر بهره‌گیری از تاریخ، اصلی، مورد اتفاق بوده که نویسندگان امامیه نیز از

1. lexicigraphy

2. archaeology of knowledge

3. chronology

آن بهره گرفته‌اند، اما تاریخی‌نگری مطلق و ارتباط‌دادن هر مسئله به یک واقعه تاریخی، سخنی باطل است.

یکی از نویسندگان در نقدی بر این روش می‌گوید:

درباره اسلام مایه تأسف است که بیشتر کسانی که به حوزه مطالعات اسلامی روی آورده‌اند، یا از رهگذر لغت‌شناسی زبان عربی و فارسی و تاریخ این دو قوم یا تنها از رهگذر تاریخ آنها به این عرصه گام نهادند و از این رو در واقع متفکر نبودند. بیشتر در وهله نخست مسیونرهایی بودند که اسلام را برنتابیده و خواهان اثبات کذب آن بودند. البته استثنای ناچیزی هم در کار بوده است (به

نقل از: رامین جهان‌نگلو و موسوی گیلانی، ۱۳۹۱، ص ۲۲).

به‌هرصورت، این روش در پاره‌ای موارد مؤثر بوده و توانایی حل مسائلی درباره مهدویت را به دست می‌دهد؛^۱ اما به کارگیری آن به‌صورت قاعده‌ای عام و همیشگی و بدون در نظر گرفتن مبانی دیگر و سرانجام تعمیم یک گزاره تاریخی به تمام تاریخ تشیع، مسیری نادرست است که در نگاه‌های مستشرقان با چنین رویکردی روبه‌رو می‌شویم و پیامد آن، جعلی‌دانستن برخی از مبانی مهم در امامت و مهدویت همانند اعتقاد به علم غیب، عصمت، غیبت و غیره است (ر.ک: عرب‌صالحی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۵؛ عرب‌صالحی، ۱۳۸۹، صص ۸۹ و ۲۳۱).

۲-۱. روش پدیدارشناسانه (phenomenology)

پدیدارشناسی عبارت است از رویکردی که در آن می‌کوشند با کنار نهادن پیش‌فرض‌هایی غیرتجربی و تبیین‌های علی و با توصیف آنچه از شیء آشکار می‌شود، از معانی ذاتی آن رفع حجاب کنند (موحدیان عطار، ۱۳۹۶، ص ۱۲۸). در تعریفی دیگر، پدیدارشناسی، روش داخل‌شدن به خودآگاهی درونی و در محدوده تاریخ ادیان است،

۱. در این زمینه و برای شناخت نقش تحلیل تاریخی درباره نشانه‌های ظهور به کتاب تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور، اثر مصطفی صادقی مراجعه کنید.

به منظور ارائه توصیفات ساختاری از تجارب دینی، مفاهیم، آموزه‌ها، اسطوره‌ها، اخلاق، مناسک و نهادهای دینی (سگال، ۱۳۹۱، ص ۲۸۵).

بنابر این روش، هنگام بحث از یک دین، باید تجربیات مردمی را که به آن دین معتقدند، در نظر آوریم و آن را بررسی کنیم و قضاوت‌ها را کنار بگذاریم؛ چون قضاوت کار ما نیست یا اینکه اگر قضاوت می‌کنیم، باید در پاورقی به آن اشاره کنیم و نه در خود متن. مستشرقی که این روش را برگزیده، اگر مسلمانان می‌گویند پیغمبرشان معصوم است، لازم است که بپذیرد. پدیدارشناسی به این نکته پایبند است (عسگری، ۱۳۹۳، ص ۵۰).

در شیوه پدیدارشناسانه برخلاف شیوه تاریخی‌نگری، هدف، شناخت پدیده از راه شناخت عناصر ذهنی و روانی افراد و درک پیامدهای آن بر آثار خارجی است و این امر با شناختن و بازکاوی علت‌ها و عوامل فکری ممکن است. هانری کربن، پدیدارشناسی را بیان امر ناپیدا و نهان‌شده از آنچه پیداست، می‌داند. در تعبیر وی وظیفه پدیدارشناس، فراتر رفتن از ظواهر و دست‌یافتن به باطن است. از نظر وی، اصطلاح «کشف‌المحجوب» در ادبیات عرفانی و اصطلاح قرآنی «تأویل»، همان پدیدارشناسی است (قراملکی، ۱۳۸۸، صص ۳۲۲ و ۳۲۶).

رنه گنون در نقد شیوه شرق‌شناسان معتقد است که آنان در شناخت شرق و تمدن‌های شرقی ناتوان هستند؛ زیرا همه چیز را از منظر غربی و از نظرگاه یک فرد بیگانه با عناصر فرهنگ و تمدن شرقی می‌نگرند، درحالی‌که قدم نخست در شناخت تمدن شرقی این است که یک شرق‌شناس، خود را در جایگاه یک معتقد و وفادار به آن فرهنگ قرار دهد و آموزه‌های آنان را از درون مطالعه کند. درواقع رنه گنون بر این باور است که محقق در شناخت یک تمدن و فرهنگ باید از شیوه تاریخی‌گری فاصله بگیرد و از دیدگاه توصیفی و پدیدارشناسانه، به شناخت آن همت گمارد (موسوی، ۱۳۹۱، ص ۱۹).

برای نمونه در تبیین عقیده موعودگرایی در اسلام، خاورشناسان با تکیه بر روش تاریخی‌نگری اعلام می‌کنند که اندیشه مهدویت توسط عده‌ای از شیعیان غالی و یا درمانده از ستم بنی‌امیه اختراع گردیده و آنها برای مستند نمودن عملکرد انقلابی خود،

به جعل احادیث در این زمینه پرداخته‌اند؛ اما براساس روش پدیدارشناسانه، به جای آنکه به توجیه و تبیین رویدادهای تاریخی بسنده شود، بیشتر به مؤلفه‌های فکری و اعتقادی دین توجه می‌گردد و پژوهش‌گر به جای اظهار نظر، به بیان و توصیف آموزه‌های مذهب می‌پردازد. در نگاه پدیدارشناسانه، محققى همچون هانری کربن، به جای آنکه به رد یا اثبات موضوع پردازد و درباره صدق و کذب آن سخن بگوید یا مهدویت را اختراع مدعیان مهدویت تلقی کند، این موضوع را پژوهش و بررسی می‌کند که مهدویت از منظر آموزه‌های امامیه چگونه توصیف شده است (موسوی، ۱۳۹۱، ص ۵۴).

هانری کربن را می‌توان از شاخص‌ترین افرادی دانست که از منظر پدیدارشناسانه به تحلیل آموزه‌های تشیع و به‌ویژه مهدویت همت گمارده و برخلاف گلدزیهر، فان فلوتن و جیمز دارمستتر، مسئله مهدویت را از دیدگاه تاریخی‌نگری بررسی نمی‌کند. به عبارت دیگر محققى همچون کربن، به جای آنکه به رد یا اثبات موضوع پردازد و درباره صدق و کذب آن سخن بگوید یا مهدویت را اختراع مدعیان دروغین تلقی کند، به این موضوع می‌پردازد که مهدویت از منظر آموزه‌های دینی چگونه توصیف شده و نگاه کتاب خدا و احادیث یا نظر عالمان دینی به مهدویت چگونه است؟ (موسوی، ۱۳۹۱، ص ۵۴).

۳-۱. روش جامعه‌شناختی (Sociology)

جامعه‌شناسی دین،^۱ مانند انسان‌شناسی اجتماعی، نهادهای سنت دینی و رابطه آنها با عقاید و ارزش‌ها را بررسی می‌کند. این رویکرد هم‌اکنون شاخه‌ای از کلان‌رشته جامعه‌شناسی را شکل داده است که به بررسی دین از چشم‌انداز جامعه‌شناختی می‌پردازد. در جامعه‌شناسی دین، مناسبات دین و جامعه، شناخت اندیشه‌های دینی، سازمان‌ها و نهادهای دینی، مناسک و شعائر دینی مطالعه می‌شود. همچنین در این رویکرد می‌کوشند روابط میان عقاید دینی را به‌عنوان واقعیت‌هایی مهم، با پدیدارهای اجتماعی شناسایی کنند (موحدیان عطار، ۱۳۹۶، ص ۱۸۱).

1. Sociology of religion

جامعه‌شناسان در غرب، آموزه‌های دینی را ابتدا به یک پدیده اجتماعی صرف تقلیل و تنزل می‌دهند و سپس آن را تحلیل می‌کنند. از این رو تحلیل‌های برگرفته از این روش، کامل نیست و در مواردی کاملاً مخالف با مراد دین و دین‌داران است. نمونه‌ای بارز از این اشتباه را می‌توان در تحلیل‌های مارکس و دیدگاه مارکسیسم دید (ر.ک: موحدیان عطار، ۱۳۹۶، صص ۱۸۳ و ۱۸۶؛ سگال، ۱۳۹۱، صص ۱۳۱ و ۱۳۶).

۲. برخی آسیب‌های مطالعات اسلامی در غرب

بهره‌گیری از روش‌های فوق در مواردی به نتایجی صحیح و معتبر دست می‌یابد که دین‌پژوهان از آن بهره می‌برند و برخی از لایه‌های مخفی در آموزه‌های دینی را شناسایی کرده‌اند. بدین ترتیب اگرچه معتقدیم از این روش‌ها می‌توان در پاره‌ای از مباحث دینی بهره جست و پژوهش‌گر باید به آنها توجه لازم را داشته باشد، نمی‌توان هریک را به‌تنهایی راهی برای دستیابی به گزاره‌ای معتبر یا حق به کار گرفت. از مهم‌ترین اشتباه‌های مستشرقان، تحلیل براساس یک روش و نادیده گرفتن مبانی و قواعد دیگر در فهم آموزه‌های دینی است. به کارگیری اشتباه مطالعات در میان اسلام‌پژوهان غربی را می‌توان به اختصار چنین معرفی کرد:

الف) تعمیم یک واقعه

از اشکال‌های پاره‌ای از مستشرقان آن است که امری خصوصی یا مختص به یک دوره را به نام اسلام ثبت کرده و یا به مباحثی تاریخی استناد نموده‌اند که در میان مسلمانان عمومیت نداشته است. برای نمونه العقد الفرید نوشته ابن عبد ربه را می‌خوانند و به تمام دوره عباسیان تعمیم می‌دهند و نتیجه می‌گیرند که اعراب چنین بوده‌اند. نمونه دیگر اینکه برخی از مستشرقان درباره هم‌جنس‌بازی میان مسلمانان می‌گویند و تنها استدلال برای چنین پدیده‌ای، استناد به چند شعر از امرؤالقیس و بعدها شاعری مشهور در زمان عباسی است (عسگری و نوروزی، ۱۳۹۳، صص ۲۸ و ۲۹).

نمونه این برخورد، درباره مسائل مرتبط با امامت و مهدویت در سخن مستشرقی

مانند دونالدسون دیده می‌شود که علت پیدایش «موعودباوری» میان شیعیان و حمایت بعدی مسلمانان دیگر از این باور را به ظلم حکام اموی در آن برهه تاریخی می‌داند و نتیجه می‌گیرد که افزون بر اصالت‌نداشتن مهدویت، نگرش موعودباورانه، بر اثر افزایش ظلم حاکمان، در میان مسلمانان احیا می‌شود و بروز می‌کند (دونالدسون، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۶۷). با دقت و موشکافی در عبارتهای به کاررفته در کتاب‌های تاریخی و فرقه‌شناسی به این نکته خواهیم رسید که ادعاهای فرقی مانند کیسانیه در دوره امویان، برگرفته از حقیقتی نهاده شده و پذیرفته نزد مسلمانان بوده است نه اینکه معنایی جدید پایه‌گذاری شده باشد (نوبختی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۹).

نکته دیگر اینکه در اذهان مسلمانان قرن اول هجری، عنوان «مهدی» به معنای موعودی نجات‌بخش وجود داشته است. بنابراین پرسش گران از زید بن علی پرسیدند که آیا وی همان موعود بشارت داده شده توسط پیامبر خداست؟ (عبدالله بن حمزه، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۰۱) شاهد تاریخی دیگر رویارویی مردم با محمد بن عبدالله نفس زکیه است که نوع سخنان درباره وی و اشعار به کاررفته در آن دوره (ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا، ص ۲۱۵)، دلالت بر اصالت مهدویت با استناد به روایت‌های نبوی دارد و انتظار آمدن موعودی از اهل بیت علیهم‌السلام بر کسی مخفی نبوده است و تنها در انتخاب، دچار اشتباه گشته‌اند.

ب) بی‌توجهی به اعتبار متون

یکی از ویژگی‌های مستشرقان این است که به تصحیح متون عربی روی آورده بودند و تلاش داشتند با مطالعه و بررسی برخی از متون - که بیشتر آنها از اهل سنت بوده است - به روش تفکر مسلمانان دست یابند. اگرچه این روش را می‌توان تحسین کرد و شایسته است با بهره‌گیری از متون، به عقاید هر دینی دست یافت، لازم است که اعتبار مکتوبات، بررسی گزارش‌های معارض یا تکمیلی و گونه‌گونی مذهبی نیز مد نظر قرار گیرد. غفلت مستشرقان از این مهم موجب گردید تا در پاره‌ای از موارد، گزاره‌هایی را به شیعیان نسبت دهند که برگرفته از متون اهل سنت بوده و یا در میان کتب غالیان شیعه یافت می‌گردد.

نمونه این مطلب در مباحث مهدویت، استناد به متن گزارش "لا مهدی الا عیسی بن مریم" است. آنها با بهره‌گیری از این گزارش چنین گمان کرده‌اند که در ابتدای اسلام، مهدویت و انتظار موعودی اسلامی مطرح نبوده و مسلمانان صدر اسلام، عیسی بن مریم را همان "مهدی موعود و منجی" دانسته‌اند (ر.ک. بطروشفسکی، ۱۳۶۳، ص ۲۸۲).^۱ دانیل کاوا، به نقل از پترسون ادعا کرده که برخی معتقدند اصلاً هیچ موعودی به نام مهدی در کار نخواهد بود و در عوض عیسی مسیح نقش او را ایفا خواهد کرد (دانیال واکا، ۱۳۸۴، ش ۱۵، ص ۱۸۷).

البته پژوهش‌گران غربی به این نکته دقت نکرده‌اند که منابع نقل این گزارش، اعتبار ندارد و به گزارشی جعلی استدلال کرده‌اند. اولین پدیدآورنده این تحریف در تاریخ اسلام، معاویه بن ابی سفیان است (شهبازیان، ۱۳۹۶، ش ۳، ص ۵۱). منابع نقل این گزارش غیر معتبر، کتب اهل سنت مانند: الفتن، اثر نعیم بن حماد (۲۲۸ ق) (بن حماد، ۱۴۲۴ق، صص ۲۵۳ و ۲۶۷)؛ المصنف، اثر ابن ابی شیبہ (۲۳۵ ق) (ابن ابی شیبہ، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۵۱۳) و سنن ترمذی (۲۷۳ ق) (ترمذی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۵۰۴) بوده که در میان عالمان فریقین نیز اتفاق وجود دارد که این گزارش، خدشه‌دار گردیده و به بی‌اعتباری آن تصریح شده است (ر.ک. مقدسی شافعی، ۱۴۲۸ق، ص ۲۶؛ سیوطی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۵؛ گنجی شافعی، ۱۴۲۱ق، ص ۵۰۷؛ ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۳، ص ۳۶۳).

ج) برداشت آموزه از کتب دیگران

یکی از علل تحلیل اشتباه در میان مستشرقان، آن است که عقاید شیعیان را با توجه به کتب فِرَق و نحل اهل سنت، همانند ملل و نحل شهرستانی توصیف کرده‌اند. گلدزیهر نیز در کتاب خود مطالبی را درباره عقاید شیعیان آورده که به تصریح وی، از کتاب ابن حزم و شهرستانی برگرفته شده است (گلدزیهر، ۱۹۶۳م، ص ۲۰۶) و گویا برای اولین بار با مراجعه به کتابخانه ظاهریه در دمشق با متون شیعی آشنا می‌شود و آثار شیعه را در

1. Madelung, *EncycloPaedia of ISLAM*, volume 5, pp. 1230 -1231.

Douglas S. Crow, *The EncycloPedia of Religion*, Vol. 9, pp.774.

دانشنامه لیدن شناسایی می کند (عسگری و نوروزی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۵). این مسئله آن قدر اهمیت دارد که پژوهش گران ادیان و فرق لازم است فرق مختلف یک دین و مذهب را شناسایی کند و برای نمونه در تحلیل عقاید شیعیان دوازده امامی، به متون و گفته های شیعیانی همانند اسماعیلیه و زیدیه مراجعه نکند و میان آنها تمایز قائل شود.

نکته مهم دیگر اینکه برخی از نویسندگان اگرچه ایرانی یا شیعه هستند و گمان می رود که اطلاع صحیحی درباره آموزه های شیعی دارند، کمترین اطلاعی از منابع شیعی و قواعد کلامی - حدیثی ندارند و با همان نگاه منتقدانه و سکولار به تحلیل تشیع می پردازند که نمونه بارز آن سعید امیرارجمند^۱ است (عسگری و نوروزی، ۱۳۹۳، صص ۴۴، ۱۴۴ و ۲۱۱).

برخی دیگر از نویسندگان نیز از مخالفان شیعیان دوازده امامی بودند و متعلق به فرقه های بدعت گذار هستند که سخنان و نوشته های آنان به عنوان منبع رسمی معرفی می گردد. از این نمونه می توان به موجان مؤمن بهائی^۲ اشاره کرد که کتابش با عنوان مقدمه ای بر اسلام شیعی، منبع تحلیل تشیع است. با توجه به این امور معتقدیم که پژوهش گر دین، افزون بر دریافت آموزه ها از منابع اصیل دین و مذهب مورد پژوهش، لازم است از افرادی که شناخت صحیحی از قواعد حاکم بر دین دارند، بهره گیرند.

از نمونه های آشکار در این باره می توان به تلاش برخی نویسندگان غربی در اثبات «عدم اصالت مهدویت در منابع دینی» اشاره کرد. فان فلوتن عقیده مهدویت را در قالب پیش گویی هایی می داند که فردی مانند ابن خلدون آن را نپذیرفته است (فلوتن، ۱۳۲۵، صص ۱۳۳-۱۳۵؛ ر.ک: دونالدسون، ۱۳۹۵، ص ۶۷). اشکال اساسی در مطالعات این دسته از مستشرقان، بهره گیری از کتاب مقدمه ابن خلدون است که برداشتی ناقص از موعودباوری اسلامی و مهدویت داشته و عالمان شیعه و اهل سنت با دلایل کافی نظرات او را رد کرده اند (اکبرنژاد، ۱۳۸۳، ش ۳۳، ص ۱۷۷).

۱. سعید امیرارجمند (۵ دی ۱۳۲۵، تهران) استاد ممتاز جامعه شناسی در دانشگاه ایالتی نیویورک در استونی بروک است.

2. Moojan Momen

د) تسلط نداشتن بر زبان عربی و اصطلاحات اسلامی

به یقین در ادیان و مذاهب مختلف اصطلاحاتی وجود دارد که نمی‌توان از کنار آنها گذشت و برای درک صحیح و عمیق یک آموزه، لازم است که اصطلاحات مرتبط با دین را شناسایی کرد. استاد شهید مطهری در نقدی بر سخن کنت گوینو تذکر می‌دهد که برخی از مستشرقان نتوانسته‌اند اصطلاحات مشهور امور جاری و روزانه زندگی ایرانیان را بفهمند؛ پس چگونه تحلیل آنها در مسائل دینی را می‌توان پذیرفت. ایشان می‌گویند:

همین کنت گوینو سابق‌الذکر که در زمان ناصرالدین شاه در ایران اقامت داشته و زبان فارسی را خوب تکلم می‌کرده، در کتابی که به نام سه سال در ایران به زبان فرانسه منتشر کرده و به فارسی ترجمه شده است، آنجا که کیفیت احوال‌پرسی ایرانیان را شرح می‌دهد، می‌گوید:

«پس از آنکه شما و صاحب‌خانه و جمیع حضار نشستید، شما به طرف صاحب‌خانه رو می‌کنید و می‌گویید آیا بینی شما فربه است؟ صاحب‌خانه می‌گوید در سایه توجهات باری تعالی بینی من فربه است، بینی شما چطور؟... من در بعضی مجالس دیده‌ام که حتی پنج مرتبه این را از یک نفر سؤال کرده‌اند و او پاسخ داده است و حتی شنیدم در توصیف یکی از علمای تهران می‌گفتند که از بزرگ‌ترین خصائلش این بود که وقتی به ملاقات یکی از بزرگان می‌رفت، نه تنها در خصوص بینی وی و متعلقان وی پرسش می‌نمود، راجع به بینی تمام نوکرها و حتی دربان استفسار می‌کرد.» ملاحظه کنید که این مرد بر اثر عدم آشنایی کامل به تعبیرات زبان فارسی و گمان اینکه در جمله «دماغ شما چاق است؟» منظور از کلمه دماغ، بینی و منظور از چاقی، فربهی است، دچار چه اشتباهی شده و به چه صورت مسخره‌آمیزی آن را نقل کرده است» (مطهری، ۱۳۹۶، ج ۶، ص ۳۴).

یکی از نویسندگان معاصر با اشاره به نمونه‌هایی دیگر از این اشتباه‌ها می‌نویسد:

مثلاً رینهارت دوزی [Reinhart Dozy] خاورشناس هلندی، عبارت «یا امیر! ما

لک؟ ما تحدثنا؟ ما هو ذلک؟» را [که معنایش: ای امیر، چیست تو را که به ما نمی‌گویی (یا چرا به ما نمی‌گویی که) آن داستان چگونه است؟] به صورت «ای امیر مالک، برای ما نمی‌گویی این داستان چگونه بوده است»، ترجمه کرده است [و گمان کرده «ما لک» همان اسم «مالک» است] و یکی دیگر از مستشرقان مشهور جمله «و شهدا ستون الفنا من الافرنج» یعنی در این پیکار، شصت هزار فرنگی حضور داشته‌اند را چنین فهمیده: «در این پیکار، شصت هزار نفر از مسیحیان شهید شده‌اند» و بعد افزوده، این مسئله بسیار مهمی است که مسلمانان کشته‌های مسیحی را شهید نوشته‌اند! (الویری، ۱۳۸۱، ص ۲۱۲).

یکی از پژوهش‌گران معاصر که خود، سال‌ها در امریکا تدریس کرده، مشکل امروز برخی از تحقیق‌ها را تسلط‌نداشتن آنها بر زبان عربی و فارسی دانسته و معتقد است که نویسندگان معاصر غربی به متون اصیل، کمتر توجه می‌کنند. به عقیده وی افرادی مانند جان اسپوزیتو^۱ (استاد امور بین‌الملل و مطالعات اسلامی در دانشگاه جرج تاون امریکا) نه عربی و نه فارسی خوانده، بلکه نقدهایی از بیرون داشته و تنها به خواندن آثار ترجمه‌شده و اخبار رسانه‌های انگلیسی استناد می‌کند (عسگری و نوروزی، ۱۳۹۳، ص ۲۲۳) و یا به مطالب برخی از شرق‌پژوهان ایرانی همانند سعید امیرارجمند استناد می‌دهند، درحالی‌که این فرد از مفاهیم دینی اطلاع دقیق نداشته و حتی در اشتباهی آشکار گفته که امام خمینی، خود را امام غایب دانسته است (عسگری و نوروزی، ۱۳۹۳، صص ۲۱۱، ۲۱۳ و ۲۱۴).

۵) خلط میان حقیقت اسلام و رفتارهای مسلمانان

در مطالب گذشته رویکرد جامعه‌شناختی را به‌عنوان یکی از روش‌های تحلیل در میان مستشرقان معرفی کردیم. این روش اگرچه مزایایی دارد و به‌ویژه در تحلیل برخی از آموزه‌های دینی مؤثر است و حتی در تحلیل پاره‌ای از بدعت‌ها و انحراف‌های

1. Jon I. Esposito

اجتماعی می‌تواند به‌مثابه ابزاری کارآمد در اختیار دین‌پژوهان قرار گیرد، آسیب‌هایی متوجه این روش بوده که برداشت از آموزه دینی را دچار آشفتگی می‌کند. نمونه این آسیب، خلط بین رفتار افراد و گروه‌های منتسب به یک دین با آموزه‌های یک دین است.

پژوهش‌گر حوزه دین باید توجه داشته باشد که برخی از برداشت‌ها و عملکردهای مردم مسلمان غیر از آن چیزی است که اسلام حقیقی بیان می‌کند. از این رو برخی از مستشرقان که در کشور مصر زندگی می‌کنند، اذعان دارند که اسلام موجود در متون اسلامی، غیر از اسلام ارائه‌شده در رفتار مسلمانان است و به همین سبب به دو قسم از اسلام اشاره می‌کنند: "اسلام رسمی" و "اسلام مردمی" (عسگری، ۱۳۹۳، ص ۳۹).

شاید امروزه مثال آشکار این مطلب، در تحلیل مستشرقان رسانه‌ای از آموزه‌های اسلام، بنابر رفتارهای گروهک سعودی - صهیونیستی داعش باشد. آنها در مقاله‌ها و کتاب‌های خود مطالبی را به اسلام نسبت می‌دهند که عموم گروه‌های اسلامی به‌ویژه شیعیان دوازده‌امامی به آن اعتقادی ندارند و بلکه افکار گروهک تکفیری داعش را نکوهش می‌کنند.

(و) توجه‌نداشتن به قواعد برداشت از متون دینی

قرآن و سنت (قول، فعل و تقریر معصوم علیه‌السلام) از مهم‌ترین منابع آموزه‌های دینی است. از این رو اصحاب و بزرگان شیعه قواعدی را در فهم دین معرفی کرده‌اند که پاره‌ای از آنها، توجه به اعتبار متون، اطمینان به صدور گزارش، توجه به وجود یا عدم روایت معارض و یا توضیحی، فضای صدور روایت بدین معنا که آیا تقیه در آن نقش دارد یا خیر؟ و غیره است.^۱ به این موارد در برخی از تحقیق‌های شرق‌پژوهان توجه کامل نشده و به همین سبب به تحلیل اشتباه در روایات منجر شده است.

۱. برای مطالعه بیشتر در این باره ر.ک: سید محمد کاظم طباطبایی، منطق فهم حدیث؛ سید علیرضا حسینی شیرازی، اعتبارسنجی احادیث شیعه.

دونالدسن در مهم‌ترین اثر خود با عنوان مذهب شیعه، مهدی را به معنای "هدایت‌شده" دانسته و معتقد است که در قرآن، عنوان مهدی به معنای شخص هدایت‌شده وجود ندارد، بلکه معنای اسم فاعلی آن از آیه ۵۴ سوره حج^۱ و آیه ۳۱ سوره فرقان^۲ به دست می‌آید و بیان کرده که بعدها از این آیات برای تأیید ظهور حضرت مهدی بر پایه احادیث استفاده شده است (دونالدسن، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۶۵). به عقیده وی قرآن هرگز امید به آمدن مهدی منتظر را تأیید نمی‌کند و فقط احادیث به این موضوع پرداخته‌اند که این روایات نیز از ارزش و اعتبار خاصی برخوردار نیستند و جعل مسلمانان بعدی به ویژه شیعیان است (دونالدسن، ۱۳۹۵، ج ۲، صص ۶۶-۶۹).

دارمستر، دیگر مستشرقی است که پس از رخداد قیام محمد احمد سودانی، به تحلیل موعودباوری در اسلام پرداخته و نتیجه‌ای مانند دونالدسون را ارائه کرده است (دارمستر، ۱۳۱۷، ص ۱۰).

در پاسخ به این نکته باید اشاره کرد، تحلیل آیات الهی و فهم از آنها نیازمند شناخت سبک و مبانی فهم است و نمی‌توان بدون در نظر گرفتن قواعد علمی، به تحلیل و نسبت‌دادن نظریه‌ای به آن اقدام نمود؛ چراکه قرآن همانند دیگر گزاره‌ها، دارای فهم روش مند و بهره‌مند از مطلق و مقید، عام و خاص، آشکار و پنهان و غیره است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۱۳). همچنین آیات الهی، دارای ظاهر و باطن هستند و تمامی مطالب را به صورت شفاف و صریح عنوان نکرده‌اند، بلکه در نمونه‌هایی از آیات قرآن، مطالب عمیق به صورت وصفی و تبیین ویژگی‌ها آمده و هدف خدای متعال این است که مخاطبان قرآن از طریق توجه به خصوصیات مندرج در کلام، به مفاهیم و مصادیق آن دست یابند و با تعمیم آن به زمانه خود، برنامه‌ریزی دنیوی و اخروی خویش را انجام دهند.^۳ محققان علوم قرآن، این مبانی را با اصطلاحاتی مانند جری و تطبیق و یا بطن و

۱. «وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادٍ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (حج، ۵).

۲. «وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا» (فرقان، ۳۱).

۳. آیاتی مانند: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ...» (نمل، ۴). یا «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مانده، ۵۵).

تأویل نام‌گذاری کرده و تحلیل‌های قرآنی را بر این مبانی پذیرفته شده بنیان نهاده‌اند (معرفت، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۲۵؛ نجارزادگان، ۱۳۸۳، ص ۵۸). از طرف دیگر عالمان اسلامی اعم از شیعیان و اهل سنت با تمسک به روایت متواتر «إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا كِتَابَ اللَّهِ وَ عِرْشِي أَهْلَ بَيْتِي» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۱۵؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۱، ص ۲۳۲) بر این مطلب اذعان نموده‌اند که بیان‌های رسیده از رسول خدا ﷺ و اهل بیت ایشان (که مراد از آن ائمه اطهار علیهم‌السلام است)، روشن‌کننده آیات الهی هستند و معانی مخفی و غیر مستقیم را بیان می‌کنند. مباحث و آموزه‌های قرآنی مهدویت نیز از این قاعده مستثنا نیستند و اگرچه در آیات الهی نام حضرت مهدی ﷺ به صراحت برده نشده، این امر خللی در هدایت بشر ایجاد نکرده و با تمسک به قواعد تفسیری و روایت‌های تبیین‌کننده درباره آن آیات، قطعیت نگرش قرآنی موعودباوری و مهدویت پدیدار می‌شود. عالمان اهل سنت و شیعه بر این روش اتفاق دارند و آیات متعددی در قرآن را به این صورت تبیین مهدوی و آخرالزمانی کرده‌اند.^۱

نتیجه‌گیری

از مطالب مطرح شده به دست می‌آید که واژه «مستشرق» در میان گروه‌های مختلف معانی گوناگون داشته و دارای یک سیر تطور معنایی بوده است و هر گروهی برای آن متناسب با اهدافشان معنایی ذکر کرده‌اند. یکی دیگر از نتایج اینکه مهم‌ترین روش‌هایی که مستشرقان در مطالعات دینی در شرق به کار برده‌اند، عبارتند از:

۱. روش تاریخی‌نگری که به مثابه یک واقعه تاریخی صرف به دین نگاه کرده‌اند و این روش برای دین، یک تاریخ مصرف مشخص می‌کند و آن را امری انسانی تلقی می‌نماید.

۲. روش پدیدارشناسانه که در این روش تلاش می‌شود بدون هیچ‌گونه قضاوت،

۱. جهت مطالعه بیشتر درباره بحث ر.ک: طباطبایی و همکاران، ۱۳۹۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۸، ص ۱۲۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲۸، ص ۸۸

تنها به توصیف موضوع مورد نظر پرداخته شود. شاید این شیوه کمترین آسیب را داشته، ولی با توجه به اینکه در توصیف‌ها نیز به سراغ متون اصلی و اصطلاحات خاص و دانشمندان دینی نرفته‌اند، آسیب‌هایی را متوجه این تحقیقات کرده است. ۳. روش جامعه‌شناختی که بیشتر بر عملکرد اجتماعی در دین‌داران می‌پردازد. این شیوه نیز براساس رفتار متدین، می‌خواهد دین را تبیین کند که اشتباهی فاحش است.

۴. از دیگر نتایج تحقیق حاضر، این است که مطالعات مسشرقان آسیب‌هایی دارد، مانند: تعمیم یک واقعه، بی‌توجهی به اعتبار متون، برداشت از کتب دیگران، تسلط‌نداشتن به زبان عربی و فارسی، خلط میان اسلام و رفتار مسلمانان و بی‌توجهی به قواعد برداشت از دین.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

۱. آریان پور، منوچهر. (۱۳۸۶). فرهنگ بزرگ (چاپ سی و هفتم). تهران: جهان رایانه.
۲. آلوسی، محمود. (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم (ج ۲۸). بیروت: دار الکتب العلمیة.
۳. ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد. (۱۴۰۹ق). المصنف. ریاش: الرشد.
۴. ابوالفرج الأصفهانی. علی بن الحسین. (بی تا). مقاتل الطالبیین. بیروت: دارالمعرفة.
۵. احمدوند، عباس. (۱۳۷۷). گذری بر مطالعات شیعی در غرب. فصلنامه علمی پژوهشی مقالات و بررسی‌ها. دفتر ۶۳. تهران: دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.
۶. دشتی؛ محمد؛ طارمی، حسن و دشتی، مهدی. (۱۳۹۱). دائرةالمعارف جهان نوین اسلام (ج ۳، ویراستار: جان اسپوزیتو). تهران: نشر کتاب مرجع و نشر کنگره.
۷. اکبرنژاد، مهدی. (۱۳۸۳). نقد دیدگاه ابن خلدون درباره احادیث مهدویت. مجله قیسات، ۹ (۳۳)، صص ۱۷۷-۱۸۸.
۸. الزیادی، فتح الله. (۱۳۸۳). نگاهی به مکاتب شرق شناسی در اروپا (مترجم: حسن حسین زاده شانه چی). فصلنامه تاریخ اسلام، ۵ (۲۰)، صص ۱۲۹ - ۱۵۲.
۹. الویری، محسن. (۱۳۸۱). مطالعات اسلامی در غرب. تهران: سمت.
۱۰. انوری، حسن. (۱۳۸۱). فرهنگ سخن (ج ۴). تهران: سخن.
۱۱. پطروشفسکی، ایلیا باولیچ. (۱۳۶۳). اسلام در ایران (چاپ هفتم). تهران: پیام.
۱۲. ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۴۱۹ق). سنن ترمذی (ج ۵). قاهره: دارالحديث.
۱۳. حسینی شیرازی، سید علی رضا. (۱۳۹۷). اعتبارسنجی احادیث شیعه (چاپ اول). تهران: سمت.
۱۴. دارمستر، جیمز. (۱۳۱۷). مهدی از صدر اسلام تا قرن سیزدهم. تهران: ادب.
۱۵. دزفولی، محمدعلی. (۱۳۹۲). بررسی شواهد تاریخی باورمندی شیعه به مقام مفترض الطاعة بودن امام (با تأکید بر سه قرن اول). دوفصلنامه امامت پژوهی، ۳ (۹)، صص ۲۹-۶۸.

۱۶. دونالدسن، د. وایت. (۱۳۹۵). مذهب شیعه (ج ۲). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۷. ذهبی، شمس‌الدین. (۱۴۱۳ق/۱۹۹۳م). تاریخ الاسلام (ج ۱۳، طبع الثانية). بیروت: دارالکتاب العربی.
۱۸. رزاقی، سیدقاسم. (۱۳۹۳). پیامدها و بازتاب‌های شیعه‌پژوهی در مطالعات شرق‌شناسی معاصر. فصلنامه مطالعات تاریخی جهان اسلام، ۲(۳)، صص ۳۱-۵۵.
۱۹. زقزوق، محمود حمدی. (۱۳۹۲). شرق‌شناسی و پیشینه فکری برخورد تمدن‌ها (چاپ اول). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۰. زمانی، محمدحسن. (۱۳۸۸). آشنایی با استشراق و اسلام‌شناسی غریبان (چاپ اول). قم: المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم
۲۱. سگال، رابرت. (۱۳۹۱). رهنمای دین‌پژوهی (چاپ اول). قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
۲۲. سیوطی، عبدالرحمن. (۱۳۸۵). العرف الوردی فی اخبار المهدی (چاپ اول). تهران: مجمع تقریب مذاهب.
۲۳. شهبازیان، محمد. (۱۳۹۶). تحریف نام و نسب مهدی موعود علیه السلام در جریان‌های انحرافی فریقین. دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌نامه کلام تطبیقی، ۲(۳)، صص ۵۱-۶۶.
۲۴. ضیایی بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۸۴). متدولوژی حقوق بین‌المللی. مجله پژوهش حقوق و سیاست، ۷(۱۶)، صص ۷-۱۹.
۲۵. طباطبایی و همکاران. (۱۳۹۴). معجم مهدویت در تفاسیر شیعه و اهل سنت (چاپ سوم). قم: بوستان کتاب.
۲۶. عبدالله بن حمزه. (۱۴۱۸ق). العقد الثمین فی تبیین أحكام الأئمة الهادین (ج ۱). نرم‌افزار المكتبة الشاملة. مكتبة دارالایمان.
۲۷. عرب صالحی، محمد. (۱۳۸۹). فهم در دام تاریخی‌نگری. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۸. عرب صالحی، محمد. (۱۳۹۱). تاریخی‌نگری و دین. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۲۹. عسگری، یاسر؛ نوروزی، رسول. (۱۳۹۳). روش‌شناسی مطالعات اسلامی در غرب (گفتارهایی از عبدالعزیز ساشادینا) (چاپ اول). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳۰. فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۸۸). اخلاق حرفه‌ای در تمدن ایران و اسلام (چاپ دوم). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۳۱. فلوتن، فان. (۱۳۲۵). تاریخ شیعه با علل سقوط بنی امیه. تهران: اقبال.
۳۲. قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن (ج ۸). تهران: ناصرخسرو.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ج ۱ و ۲). قم: نشر الإسلامية.
۳۴. کنجی شافعی، ابی عبدالله. (۱۴۲۱ق). البیان فی أخبار صاحب الزمان علیه السلام. بیروت: دارالمحجة البيضاء.
۳۵. گلذیهر، ایگناس. (۱۹۶۳م). العقيدة و الشريعة فی الاسلام (چاپ سوم). مصر: دارالکتب الحديثة و مكتبة المثني بیگداد.
۳۶. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۲۱ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (چاپ دوم). تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۳۷. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق). بحار الانوار (ج ۵۲ و ۵۳). بیروت: مؤسسه الوفاء.
۳۸. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۶). مجموعه آثار شهید مطهری (اصول فلسفه و روش رئالیسم) (ج ۶). تهران: صدرا.
۳۹. معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۸). التمهید فی علوم القرآن (ج ۳). قم: التمهید.
۴۰. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی. (۱۴۲۸ق). عقد الدرر فی اخبار المنتظر (چاپ سوم). قم: جمکران.
۴۱. موتسکی، هارالد. (۱۳۹۴). حدیث اسلامی. قم: دارالحديث.
۴۲. موحدیان عطار، علی. (۱۳۹۶). روش‌شناسی دین‌پژوهی (چاپ دوم). قم: نشر جامعه المصطفی.
۴۳. موسوی گیلانی، سیدرضی. (۱۳۹۱). شرق‌شناسی و مهدویت (چاپ دوم). قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.

۴۴. نجارزادگان، فتح الله. (۱۳۸۳). تفسیر تطبیقی. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۴۵. نظرپور، حامد؛ علمی، قربان. (۱۳۹۷). بررسی روش‌شناسی مطالعات دینی کنت ول اسمیت. مجله اندیشه نوین دینی، ۱۴(۵۲)، صص ۳۸-۱۰۰.
۴۶. نعیم بن حماد. (۱۴۲۴ق). الفتن. قاهره: مکتبه الصفا.
۴۷. نوبختی، حسن بن موسی. (۱۴۰۴ق). فرق الشیعة (چاپ دوم). بیروت: دارالاضواء.
۴۸. واکا، دانیال؛ جندق، بهروز. (۱۳۸۴). شکل‌گیری شخصیت مسیحایی در اسلام و ویژگی‌های آن: مهدی علیه السلام. فصلنامه انتظار موعود، ۵(۱۵)، صص ۱۷۷-۱۸۸.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

1. Abdullah bin Hamzah. (1418 AH). *Al-Aqd al-Thameen fi Tabyeen Ahkam al-A'emah al-Hadain*. Al-Maktaba Al-Shamelah software. Maktabah Dar al-Iman. [In Arabic]
2. Abulfaraj Al-Isfahani. A. (n.d.). *Maqatil al-Talebe'yeen*. Beirut: Dar al-Ma'arif
3. Ahmadvand, A. (1377 AP). A passage on Shiite studies in the West. *Journal of Articles and Reviews*. (63). Tehran: Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran. [In Persian]
4. Akbarnejad, M. (1383 AP). Criticism of Ibn Khaldoun's view on the hadiths of Mahdism. *Qabasat*. (Vol. 10), pp. 177-188. [In Persian]
5. Alousi, M. (1415 AH). *Rouh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azim*. Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah. [In Arabic]
6. Alviri, M. (1381 AP). *Islamic Studies in the West*. Tehran: Samt. [In Persian]
7. Al-Ziadi, F. A look at schools of Orientalism Studies in Europe (Hosseinzadeh Shانهchi, H. Trans. 1383 AP). *Journal of Islamic History*, 20(5), pp. 129-152. [In Persian]
8. Anwari, H. (1381 AP). *Farhange Sokhan*. Tehran: Sokhan. [In Persian]
9. Arab Salehi, M. (1389 AP). *Understanding in the trap of historicism*. Qom: Research Institute of Islamic Culture and Thought. [In Persian]
10. Arab Salehi, M. (1391 AP). *Historiography and religion*. Qom: Research Institute of Islamic Culture and Thought. [In Persian]
11. Arianpour, M. (1386 AP). *The Great Dictionary*. (37th ed.). Tehran: Jahan Computer. [In Persian]
12. Askari, Y., & Nowrozi, R. (1393 AP). *Methodology of Islamic Studies in the West (speech by Abdulaziz Sashadina)*. (1st ed.). Qom: Islamic Science and Culture Academy. [In Persian]
13. Darmstetter, J. (1317 AP). *Mahdi from the beginning of Islam to the 13th century*. Tehran: Adab. [In Persian]

14. Dashti, M., & Taremi, H., & Dashti, M. (1391 AP). *The encyclopedia of new world of Islam*. (vol. 3, Esposito, Ed.). Tehran: Reference Books Publications and Congress Publications. [In Persian]
15. Dezfuli, M. A. (1392 AP). An Examination of the historical evidence of Shi'a belief in the supposed status of the Imam as Al-Ta'ah (with emphasis on the first three centuries). *Journal of Imamate-Studies*. 9(3), pp. 29-68. [In Persian]
16. Dhahabi, S. (1413 AH). *History of Islam*. (2nd ed.). Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]
17. Donaldsen, d. W. (2015). *Shia*. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy.
18. Farmarz Qaramaleki, A. (1388 AP). *Professional ethics in Iranian and Islamic civilization*. (2nd ed.). Tehran: Research Institute of Cultural and Social Studies. [In Persian]
19. Floten, F. (1325 AP). *Shia history with the causes of the fall of the Umayyads*. Tehran: Iqbal. [In Persian]
20. Goldzihar, I. (1963). *Al-Aqeedah va Shari'ah fi al-Islam*. (3rd ed.). Egypt: Dar al-Kitab Al-Hadith va Maktaba al-Muthani, be Baghdad.
21. Hosseini Shirazi, S. A. (1397 AP). *Validation of Shia hadiths*. (1st ed.). Tehran: Samt. [In Persian]
22. Ibn Abi Shaiba, A. (14090 AH). *Al-Musnaf*. Riash: Al-Rushd. [In Arabic]
23. Koleyni, M. (1407 AH). *Al-Kafi*. Qom: Nashr al-Islamiyah. [In Arabic]
24. Konji Shafe'ei, A. (1421 AH). *Al-Bayan fi Akhbar Sahib al-Zaman*. Beirut: Dar al-Muhajah al-Bayda. [In Arabic]
25. Majlesi, M. (1421 AH). *Mir'at al-Uqool fi Sharh Akhbar Ale- Rasoul*. (2nd ed.). Tehran: Dar Al-Kotob al-Islamiya Publications. [In Arabic]
26. Majlesi, M. (1404 AH). *Bihar al-Anwar* (vol. 52 & 53). Beirut: Al-WafaInstitute. [In Arabic]
27. Marafet, M. H. (1388 AP). *Talmhid fi Ulum al-Qur'an*. Qom: Al-Tamhid. [In Persian]
28. Moghadasi Shafi'i, Y. (1428 AH). *Aqd Al-Durar fi Akhbar al-Muntazhar*. (3rd ed.). Qom: Jamkaran. [In Arabic]

29. Motahari, M. (1396 AP). *The collection of Shahid Motahari's works. (Principles of philosophy and the method of realism)*. Tehran: Sadra. [In Persian]
30. Motsky, H. (1394 AP). *Islamic hadith*. Qom: Dar al-Hadith. [In Persian]
31. Mousavi Gilani, S. R. (1391 AP). *Orientalism and Mahdism*. (2nd ed.). Qom: The Cultural Foundation of Hazrat Mahdi Mououd. [In Persian]
32. Mowahedian Attar, A. (1396 AP). *Methodology of Religions studies*. (2nd ed.). Qom: Jamaat al-Mustafa Publications. [In Persian]
33. Naeem bin Hemad. (1424 AH). *Al-Fitan*. Cairo: Maktabah Al-Safa. [In Arabic]
34. Najarzagdegan, F. (1383). *Comparative interpretation of the Qur'an*. Qom: World Center of Islamic Sciences. [In Persian]
35. Nazarpour, H., & Elmi, Q. (1397 AP). A review of Kenneth Well Smith's religious studies methodology. *Journal of New Religious Thought*. 14(52), pp. 38-100. [In Persian]
36. Nobakhti, H. (1404 AH). *Firaq al-Shi'a*. (2nd ed.). Beirut: Dar al-Azwa. [In Arabic]
37. Petroshevsky, I. (1363 AP). *Islam in Iran*. (7th ed.). Tehran: Payam. [In Persian]
38. Qurtubi, M. (1364 AP). *Al-Jame el Ahkam al-Qur'an*. Tehran: Nasser Khosrow. [In Persian]
39. Razaghi, S. Q. (1393 AP). Essay on the consequences and reflections of Shia studies in contemporary oriental studies. *Journal of Historical Studies of the Islamic World*. 2(3), pp. 31-55. [In Persian]
40. Segal, R. (1391 AP). (1st ed.). *A guide to religious studies*. Qom: University of Religions and Denominations. [In Persian]
41. Shahbazian, M. (1396 AP). Distortion of the name and lineage of the Promised Mahdi in the deviant currents of the Fariqain. *Journals of Comparative Theology*. 2(3), pp. 51-66. Qom: Al-Mustafa International University. [In Persian]

42. Soyouti, A. (1385 AP). *Al-Araf al-Verdi fi Akhbar al-Mahdi*. (1st ed.). Tehran: Proximity of Religions Assembly. [In Persian]
43. Tabatabaei et al. (1394 AP). *Mujam of Mahdism in Shia and Sunni interpretations*. (3rd ed.). Qom: Bustan Kitab. [In Persian]
44. Tirmidhi, M. (1419 AH) *Sunan Tirmidhi*. Cairo: Dar al-Hadith. [In Arabic]
45. Waka, D., & Jandaghi, B. (1384 AP). The formation of a messianic character in Islam and its characteristics: Mahdi Aj. *Journal of Intizar Maw'ud*. 5(15), pp. 177-188.
46. Zamani, M. H. (1388 AP). (1st ed.). *Familiarity with Orientalism and Islamology of Westerners*. Qom: Al-Mustafa. [In Persian]
47. Zaqzuq, M. (1392 AP). *Orientalism and the intellectual background of the clash of civilizations*. (1st ed.). Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation. [In Persian]
48. Zia'ei Bigdeli, M. R. (1384 AP). Methodology of international law. *Journal of Law and Politics*. 15(16), pp. 7-19. [In Persian]